



جناب محمد ولی

## درباره آب دریای هیرمند و حجاب ایران از آن

دریای هلمند طولیترین دریای افغانستان بوده دارای ۱۴۰۰ کیلومتر طول میباشد، این دریا از دره اونی کوه پغمان سرچشمه گرفته بعد از عبور از ولایات دایکندی، میدان وردگ، ارزگان، هلمند و نیمروز به جهیل کنگ می ریزد. مشکل میان افغانستان و ایران روی اب هیرمند از سال ۱۸۷۲ آغاز گردید، در ان زمان نه تنها مسئله حقاچه بلکه تغییر مسیر دریا در اثر اب خیزی که باعث تعیر سرحد میان دو کشور می شد نیز مشکل ایجاد میکرد. در سال ۱۹۰۰ میلادی دولت انگلیس در مورد به حکمیت پرداخت و کلونل مکمهان رئیس هیئت حکمیت در جنوری سال ۱۹۰۳ وارد سیستان شده در سال ۱۹۰۵ قرار ی صادر کرد که مشتمل بر ده فقره بود، مطابق فقره دهم یک قرار داد شامل بر هشت فصل را امضاء کرد.

در فصل سوم این قرارداد قید شده بود: "علی هذا ایران مستحق می باشد به یک ثلث جمیع اب هیرمند .."  
به اثر این حکمیت ایران ثلث اب هیرمند را مستحق میشد.

منازعه با این حکمیت پایان نیافته در سال ۱۹۳۸ بار دیگر تازه گردید. نماینده ایران به کابل آمده با وزارت خارجه افغانستان به مذاکره آغاز کرد که در پایان کار قراردادی شامل ۱۵ ماده بین دولتین شاهی ایران و افغانستان بنام قرارداد تقسیم اب هیرمند منعقد شد. وزارت خارجه افغانستان خلاف معاهدات گذشته این بار حقاچه ایران را طبق ماده اول قرار داد چنین تعریف کرد: "دولتین ایران و افغانستان موافقت مینمایند که همه ساله هر مقدار اب رودخانه هیرمند که به بند کمال خان میرسد بین ایران و افغانستان از بند کمال خان به بعد بالمناصفه تقسیم شود."

از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۵۰ باز هم مشاجره روی اب هیرمند بالا گرفت اما با آمدن هئئت ایرانی به کابل بدون عقد کدام معاهده خاموش گردید. در ماه جوزای سال ۱۹۷۲ معضله میان کابل و تهران تازه شد و در ماه می سال ۱۹۷۳ امیر عباس هویدا صدراعظم ایران به کابل آمد و قرارداد جدید اب هیرمند را با محمد موسی سفیق صدر اعظم افغانستان به امضاء رسانید.

این قرارداد با مخالفت احزاب سیاسی ( بدون اخوانی ها ) و شخصیت های سیاسی مواجه شد چنانچه جبهه ای متشکل از احزاب ، شخصیت های سیاسی به شمول محمد هاشم میوندال یکی از صدراعظمان کشور ، عده ای از وکلا و سناتوران پارلمان تشکیل گردیده برای چندین روز بعد از ساعت چهار عصر در پارک زرنگار در مورد غیر عادلانه بودن قرارداد و تقبیح آن زیر نام فروش آب هیرمند سخنرانی های احتجاجیه میکردند . تصویب این قرارداد در پارلمان نیز با مخالفت عده ای از وکلا مواجه شد .

پس از سقوط رژیم شاهی در افغانستان و بنابر حوادث بعدی دولتهای افغانستان و ایران مجال بحث روی این مشکل را نداشتند، جانب ایرانی با اغتنام فرصت خلاف معاهده سال ۱۳۵۱ سطح استفاده از آب هیرمندرا بلند تر برد . تازگی ها باز جانب ایرانی ادعاهای درین مورد آغاز کرده میگویند از ۸۲۰ میلیون متر مکعب حقا به ۲۷ میلیون متر مکعب به آن کشور داده میشود .

نسبت اینکه در طول ۴۳ سال با استفاده خارج از قرارداد ایران در منطقه زابل ایرانی نهر کشی کرده و مناطقی را تحت ایبیری در آورده انجارا قابل سکونت ساخته است شاید ادعاهای بیشتر داشته باشد و مدعی حفظ محیط زیست و شرایط زندگی مردم ازین آب گردد و بیشتر از آنچه در قرارداد سال ۱۳۷۱ ذکر شده مطالبه نماید .

اینکه در طول ۴۳ چقدر از آب هیرمند اسفاده بی رویه نموده اند به گذشته تعلق دارد اما ازین به بعد طبق قرارداد سال ۱۹۷۳ ایران مستحق مقدار ذکر شده آب در قرار داد میباشد(۲۶ متر مکعب در ثانیه که ۸۲۰ متر مکعب در سال میشود) . مشکل خشکسالی و کمبود مقدار آب در دریا باید مد نظر باشد و به بیشتر خواهی های ایران اهمیت داده نشود .